

مقدمه‌ای بر روش‌شناسی نظام‌سازی قرآنی (با تأکید بر نظام سیاسی)

عباسعلی مشکانی سبزواری

دکتری و مدرس فقه سیاسی

دانشگاه باقرالعلوم (ع)

اشاره

پیرامون «روش‌شناسی و متدولوژی نظام‌سازی قرآنی» دو معنا محتمل است:

اول. معنای اول این است که قرآن کریم برای نظام‌سازی چه روش‌هایی را پیشنهاد داده و یا از چه روش‌هایی بهره برده است؟ آیا از روش‌های عقلایی و موجود بهره برده و به اصطلاح در این حوزه به صورت امضائی و پذیرش یک یا چند روش از روش‌های موجود اقدام کرده، یا روشی ابداعی و تاسیسی ارائه کرده است؟ در صورت امضای روش‌های موجود، از کدام روش بهره برده و در صورت تاسیس روش جدید، معنا و ساختار آن روش چیست؟

دوم. معنای دوم اینکه برای فهم و نشان دادن «روش‌شناسی نظام‌سازی قرآنی» و شیوه یا شیوه‌هایی که قرآن کریم برای نظام‌سازی به کار برده، از چه روش یا روش‌هایی می‌توان استفاده کرد؟

به بیان دیگر، درباره «روش‌شناسی نظام‌سازی قرآنی» دو گونه سؤال مطرح است:

سؤال اول) قرآن کریم برای نظام‌سازی، از چه روش یا روش‌هایی استفاده کرده است؟

سؤال دوم) روش‌شناسایی و فهم «روش‌شناسی نظام‌سازی قرآنی» کدام است؟

در پاسخ به پرسه اول باید از چیستی و ساختار روشی که قرآن کریم در نظام‌سازی استفاده کرده سخن بگوییم، اما در پاسخ پرسه دوم باید پیرامون روش یا روش‌های فهم «روش‌شناسی قرآن کریم در نظام‌سازی» به بحث و بررسی بپردازیم.

روشن است که دستیابی به پاسخ پرسه اول، از رهگذر پاسخ به پرسه دوم امکان‌پذیر است. به بیان دیگر، برای شناسایی «روش‌شناسی نظام‌سازی قرآنی» باید از روش‌های فهم این روش‌شناسی بحث کنیم و لذا بحث از «روش‌های فهم روش‌شناسی نظام‌سازی قرآنی» مقدم بر روش‌شناسی نظام‌سازی قرآنی می‌باشد.

روش‌های شناسایی «روش‌شناسی نظام‌سازی قرآنی»

با توجه به امکان و احتمال وجود دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلف پیرامون روش‌شناسی نظام‌سازی قرآنی، می‌توان از طریق رهیافت تحلیل مقایسه‌ای و از رهگذر مطالعه و مقایسه دیدگاه‌های مختلف پیرامون موضوع مورد بحث، به اطلاعات ارزشمندی درباره ویژگی، شکل و دامنه عملکرد یک دیدگاه در مقایسه با دیدگاه‌های مشابه رهنمون شد. از سوی دیگر، رهیافت تحلیل مقایسه‌ای بدون ابزار و مدلی که بتواند بخش‌هایی از ساختار و کارکرد یک روش و یا نظریه را به طور شفاف و منظم توضیح داده و نظم درونی حاکم بر آنها را ارزیابی کند، چندان کارآیی تحقیقاتی و عملی نخواهد داشت.

بر این اساس، برای تبیین روش‌های شناسایی روش‌شناسی نظام‌سازی قرآنی با استفاده از رهیافت تحلیل مقایسه‌ای، می‌توان از روش‌های مختلفی همچون روش بحران، روش تحلیل گفتمان، روش مفهومی، روش راهبردی، روش میان‌رشته‌ای و روش تحلیل سیستمی استفاده کرد.

از طریق هر کدام از روش‌های فوق، امکان بررسی و شناسایی روش‌شناسی نظام‌سازی قرآنی وجود دارد، و البته هر کدام از روش‌ها از نقاط مثبت و نیز نقاط ضعف و منفی گوناگونی برخوردار می‌باشند.

در این یادداشت تلاش می‌شود از طریق «روش تحلیل سیستمی» به تبیین موضوع پرداخته و با تاکید بر نظام سیاسی، مسئله توضیح داده شود.

روش تحلیل سیستمی و کاربرد آن در شناسایی روش‌شناسی نظام‌سازی قرآنی

چنانکه گذشت، روش مورد استفاده این تحقیق برای تبیین روش‌شناسی نظام‌سازی قرآنی، روش تحلیل سیستمی است. در ادامه پس از تبیین روش، به تطبیق آن بر موضوع مورد بحث با تاکید بر نظام سیاسی پرداخته شده است، که می‌توان با حذف مباحث مربوط به نظام سیاسی، از الگوی مورد استفاده، در دیگر نظام‌ها نیز بهره برد.

الف. توصیف روش

بر اساس تحلیل سیستمی هر نظام سیاسی از دو بخش تشکیل شده است:

بخش اول) ساختار نظام سیاسی؛

بخش دوم) کارویژه‌های نظام سیاسی.

توضیح اینکه: سیستم سیاسی اسلام عبارت است از: «مجموعه به هم پیوسته از فعالیت‌های سیاسی، که توسط شمار بزرگی از کارگزاران و با هدف خاصی تعهد شده و انجام می‌گیرد». این سیستم از عناصری

همبسته تشکیل شده است که هر کدام به تنهایی بخشی از نظام سیاسی اسلام را تشکیل داده و نهادها و گروه‌های معینی را شامل می‌شوند. این ویژگی سیستم سیاسی را عناصر ساختاری یا به طور کلی «ساختار» نظام سیاسی اسلام می‌نامند. در مقابل، نوع روابط تعریف شده بین ساختارهای موجود در درون نظام سیاسی اسلام را، کارکردهای همان ساختارها و یا به طور خلاصه «کارویژه» نظام سیاسی اسلام می‌نامند.

در ساختار نظام سیاسی مباحث چهارگانه ذیل مورد بحث قرار می‌گیرد: (۱) ادله ضرورت تاسیس نظام سیاسی؛ (۲) مرزهای نظام سیاسی؛ (۳) عناصر نظام سیاسی؛ (۴) شبکه قدرت. در بخش کارویژه‌های نظام سیاسی نیز مباحث ذیل مطرح می‌شود: (۱) مرکز تصمیم‌گیری در نظام سیاسی؛ (۲) حدود قلمرو و اختیارات دولت؛ (۳) جریان قدرت در نظام سیاسی؛ (۴) بازخورد.

ب) تطبیق روش

برای تطبیق روش تحلیلی سیستمی بر موضوع مورد بحث و بهره‌گیری از آن برای تبیین روش‌شناسی نظام‌سازی قرآنی در حوزه سیاست، باید روش ارائه قرآن در محورهای ذیل را پیگیری کرد:

بخش اول) ساختار نظام سیاسی اسلامی

۱) روش تبیین و اقامه استدلال برای ضرورت تاسیس نظام سیاسی اسلامی از منظر قرآن کریم: روشن

است که ادله تاسیس نظام سیاسی با ادله تاسیس نظام سیاسی اسلامی متفاوت است. حکومت به حکم روش عقلی یک ضرورت و اجتناب‌ناپذیر است؛ اما چرا باید حکومت اسلامی باشد؟ دلائل تشکیل ضرورت حکومت اسلامی چیست؟ روش قرآن کریم در تبیین و اقامه استدلال برای ضرورت تاسیس نظام سیاسی چیست و قرآن کریم از چه روش‌هایی برای این مهم بهره برده است؟

۲) روش تبیین و تعیین مرزهای نظام سیاسی اسلامی از منظر قرآن کریم: هر نظام سیاسی از دو دسته عناصر اصلی و اقتضایی تشکیل می‌شود. در این بخش، بحث بر سر این است که عناصر اصلی و اقتضایی نظام سیاسی کدام است؟

شیوه قرآن کریم در تقسیم و تفکیک عناصر نظام سیاسی چیست؟ از منظر قرآن کریم روش‌ها و معیارهای تفکیک عناصر اصلی از اقتضایی کدام است؟

۳) روش تبیین و تعیین عنصر یا عناصر کلیدی نظام سیاسی اسلامی از منظر قرآن کریم: مکاتب و اندیشمندان مختلف مرزهای نظام سیاسی را به اشکال مختلف و متفاوتی تبیین کرده‌اند: نژاد، زبان، خاک و اعتقاد برخی از ملاک‌های مرزبندی به شمار می‌روند.

منطق و روش قرآن کریم در تعیین مرز نظام سیاسی اسلامی چیست؟ معیار مرزبندی و شیوه تبیین آن در قرآن چیست و چگونه است؟

۴) روش تبیین و تعیین شبکه قدرت در نظام سیاسی اسلامی از منظر قرآن کریم: در بحث شبکه قدرت پرسش اصلی این است که چه کسانی می‌توانند وارد سلسله مراتب قدرت شوند و جایگاه آنان در قدرت چیست؟ و به عنوان نمونه به جایگاه زنان و اقلیت‌های دینی در نظام سیاسی اسلامی پرداخته می‌شود.

روش قرآن کریم در تبیین و تعیین سلسله مراتب قدرت و نیز معیار و شیوه تعیین کسانی که می‌توانند در این سلسله مراتب متصدی امر شوند، چیست؟

بخش دوم) رویزده‌های نظام سیاسی اسلامی

۵) شیوه تبیین و تعیین مرکز تصمیم‌گیری در نظام سیاسی اسلامی از منظر قرآن کریم: منظور از مرکز تصمیم‌گیری مرجعی است که بویژه در اختلافات فصل‌الخطاب است و در واقع از مشروعیت برخوردار است. پرسش این است که روش قرآن کریم در تعیین مرکز تصمیم‌گیری چیست؟ همچنین شیوه‌ها و روش‌های تعیین راه‌حل‌ها و راهکارهای برای حل اختلافات در قرآن کریم کدام است؟

۶) روش تبیین و تعیین قلمرو اختیارات نظام سیاسی اسلامی از منظر قرآن کریم: در این قسمت بحث بر سر این است که قلمرو اختیارات نظام سیاسی و حکومت اسلامی تا کجاست؟ آیا حکومت اسلامی صرفاً در حوزه حریم عمومی حق دخالت و اعمال قدرت دارد یا حریم خصوصی افراد نیز در حوزه اختیارات حکومت است؟

روش قرآن کریم در تعیین مرزهای حریم عمومی و حریم خصوصی چیست؟ همچنین قرآن کریم برای تبیین حوزه اختیارات و نیز تعریف حریم عمومی و حریم خصوصی از چه روش‌هایی استفاده کرده است؟

۷) روش تبیین و تعیین جریان قدرت در نظام سیاسی اسلامی از منظر قرآن کریم: رابطه متقابل مردم و حاکمان، احزاب، مطبوعات و رسانه‌ها، جایگاه پارلمان و انتخابات و... از جمله مسائلی هستند که در ذیل عنوان جریان قدرت مورد بحث قرار می‌گیرند.

روشی که قرآن کریم در تبیین این موضوعات استفاده کرده، چه روشی است؟

۸) روش تبیین و تعیین بازخوردهای نظام سیاسی اسلامی از منظر قرآن کریم: مباحثی از قبیل حق نظارت مردم بر حکومت، امر به معروف و نهی از منکر حاکمان توسط مردم، پاسخگو بودن حکومت، حق اعتراض، انتقاد، راهپیمایی و قیام و انقلاب در زمره مباحث مربوط به بازخوردهای نظام سیاسی قرار دارد.

منطق قرآن کریم در تبیین بازخوردهای نظام سیاسی چه منطقی است و از چه روش‌هایی در این زمینه بهره برده است؟

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گذشت، برای دستیابی به روش‌شناسی نظام‌سازی قرآنی در حوزه سیاست، باید به بخش‌های مختلف نظام سیاسی در حوزه ساختار و کارویژه‌ها پرداخت و روش‌های پرداخت و تبیین مسائل و مباحث ذیل آنها در قرآن کریم را رصد نمود و در نهایت با تجمیع و تحلیل این روش‌ها، به روش‌شناسی نظام‌سازی قرآنی در حوزه سیاست دست یافت.

چنانکه در مقدمه یادداشت مورد اشاره قرار گرفت، برای دستیابی به روش‌شناسی نظام‌سازی قرآنی، می‌توان از روش‌های مختلفی بهره برد. در یادداشت حاضر روش مورد استفاده برای این مهم «روش تحلیل سیستم» بود. بر اساس این روش، سیستم و نظام سیاسی مورد تحلیل و تبیین واقع شد و در ذیل هر کدام از بخش‌های مختلف آن، روش قرآن کریم در تبیین و تعیین چستی و هستی آنها مورد پرسش قرار گرفت.

رصد، دستیابی، تبیین، تحلیل و در نهایت جمع‌بندی روش‌های مورد استفاده قرآن کریم در بخش‌های فوق‌الذکر به «روش‌شناسی نظام‌سازی قرآنی در حوزه سیاست» منتهی می‌گردد که می‌توان این الگو را در دیگر نظام‌ها (فرهنگی، حقوقی، تربیتی، اقتصادی و...) مورد استفاده قرار داد و به روش‌شناسی نظام‌سازی در حوزه فرهنگ، حقوق، تربیت، اقتصاد و ... دست یافت و در نهایت حاصل جمع جملگی آنها را به عنوان «روش‌شناسی نظام‌سازی قرآنی» ارائه نمود.